

تفاهم نامه با آمریکا را تمام شده تلقی کنید

آیت الله اعرافی، عضو فقهای شورای نگهبان و مدیر حوزه علمیه قم گفت: اکنون که رئیس جمهور آمریکا پایان تفاهم نامه را اعلام و جنگ را آغاز کرده وجهی برای پایبندی به آن باقی نمی ماند. وی افزود: شخص رئیس محترم جمهور که به نمایندگی از اعضای شعام در برابر رهبر معظم انقلاب و مردم غیور و مقاوم ایران متعهد به اجرای بندهای تفاهم نامه و ایستادگی در برابر زیاده خواهی آمریکا شده اند و سایر اعضای شعام و فرماندهان و مسئولین دیپلماسی کشور باید تفاهم نامه را تمام شده تلقی کرده و راه جهاد و استقامت را در پیش بگیرند و با اطاعت تام از رهبر معظم انقلاب به همان مسیری که ایشان تشخیص داده اند، بازگردند.

۲



دستیار خطای محاسباتی

انتشار گزارش تحلیلی علی ربیعی، دستیار اجتماعی رئیس جمهور، درباره وضعیت اجتماعی و سیاسی ایران، بیش از آنکه صرفاً انتشار نتایج یک افکارسنجی باشد، بار دیگر این پرسش را پیش روی افکار عمومی قرار می دهد که در سیاست گذاری، «داده» اهمیت بیشتری دارد یا «روایت از داده». هر گزارش اجتماعی، علاوه بر اعداد و آمار، حامل نوعی تفسیر نیز هست؛ تفسیری که می تواند بر برداشت تصمیم گیران از واقعیت جامعه اثر بگذارد و آنها را با خطر خطا در محاسبات روبرو کند. به نظر می رسد داده های علی ربیعی نیز تلویحاً پیشنهادی مبنی بر سیاست گذاری خاصی در این برهه زمانی محسوب می شود و اساساً انتشار این داده ها در این مقطع زمانی به خودی خود مسئله دار است.

۲

صفحه ۳

سیاسی

دشنه کندی به نام صلح شرافتمندانه

همزمانی اظهارات برخی چهره ها با تحرکات خارجی و تشدید حملات، از شکل گیری روایتی تازه حکایت دارد که با برجسته سازی خستگی و فشار اقتصادی جامعه، می کوشد «صلح» را به مثابه تنها راه برون رفت معرفی کرده و مسیر مقاومت را به حاشیه براند.

صفحه ۱۱

سیاست خارجی

سکوت بانیان درباره سرنوشت تفاهم

کنون که آمریکا عملاً تمامی تعهدات خود را کنار گذاشته، افکار عمومی بیش از هر زمان دیگری انتظار دارد مسئولانی که از این مسیر دفاع کردند، درباره نتایج آن و هزینه های تحمیل شده به کشور پاسخگو باشند.



نظرسنجی اخیر ریعی مشاور رئیس جمهور درباره شاخص‌های اجتماعی و سیاست خارجی با چه هدفی منتشر شد؟

نظرسازی برای اختلال محاسباتی

هست؛ تفسیری که می‌تواند بر برداشت تصمیم‌گیران از واقعیت جامعه اثر بگذارد و آنها را با خطر خطا در محاسبات روبرو کند. به نظر می‌رسد داده‌های علی‌ریعی نیز تلویحاً پیش‌نهادی مبنی بر سیاست‌گذاری خاصی در این برهه زمانی محسوب می‌شود و اساساً انتشار این داده‌ها در این مقطع زمانی به‌خودی‌خود مسئله‌دار است.

انتشار گزارش تحلیلی علی‌ریعی، دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور، درباره وضعیت اجتماعی و سیاسی ایران، بیش از آنکه صرفاً انتشار نتایج یک افکارسنجی باشد، بار دیگر این پرسش را پیش روی افکار عمومی قرار می‌دهد که در سیاست‌گذاری، «داده» اهمیت بیشتری دارد یا «روایت از داده». هر گزارش اجتماعی، علاوه بر اعداد و آمار، حامل نوعی تفسیر نیز



جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

روایت دیده می‌شود. گزارش از وجود «میان» اجتماعی «سخن می‌گوید که خواهان گسترش ارتباطات بین‌المللی، پرهیز از تنش‌های پرهزینه و دستیابی به توافق‌های بزرگ ملی است. این گزاره‌ها می‌تواند بخشی از واقعیت افکار عمومی باشند، اما وقتی در کنار تصویری از جامعه‌ای خسته، مضطرب و گرفتار فرسایش روانی قرار می‌گیرند، چارچوبی تفسیری شکل می‌گیرد که ممکن است از سوی بازیگران مختلف سیاسی، مبنای پیشنهادی متفاوت در حوزه سیاست خارجی قرار گیرد.

اهمیت این موضوع زمانی بیش‌تر می‌شود که بدانیم نویسنده گزارش، صرفاً یک پژوهشگر دانشگاهی یا تحلیلگر مستقل نیست. علی‌ریعی دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور است. گزارش‌هایی از این دست، توسط دستیار رئیس‌جمهور بعید است که برای تلویحاً افکار عمومی نوشته شوند. این نوع گزارش‌ها می‌توانند در فرآیند تصمیم‌سازی مورد استناد قرار گیرند. از سوی دیگر هم‌زمانی انتشار یا برجسته‌سازی این گزارش با اظهارات اخیر سید محمد خاتمی درباره ضرورت حمایت از مذاکره، تفاهم و صلح شرافتمندانه نیز باعث شده منتقدان از شکل‌گیری یک روایت مشترک سخن بگویند؛ روایتی که تسلیم در برابر دشمن خارجی و به زبان ساده نوشیدن جام زهر دیگری را مهم‌ترین پاسخ به مسائل داخلی معرفی می‌کند. نکته جالب توجه این است که خاتمی در سخنان خود از نظرسنجی‌ها و پیمایش‌ها سخن به زبان آورده است. احتمالاً منظور خاتمی گزارش‌های شبیه همین متن علی‌ریعی بوده است.

به نظر می‌رسد سخنان محمد خاتمی و گزارش علی‌ریعی در راستای همان تغییر پارادایمی مطرح می‌شوند که پیش‌تر و پس از جنگ ۱۲ روزه توسط تعدادی از اقتصاددانان غرب‌گرا و اصلاح‌طلب عرضه شده بود که با انتقادات شدید اندیشمندان حوزه سیاسی مواجه شده بود. خروجی گزارش علی‌ریعی ناخودآگاه خواننده را به یاد همان بیانیه می‌اندازد. نویسندگان آن بیانیه از جنگ ۱۲ روزه به ضرورت دیپلماسی و تنش‌زدایی با غرب پی برده بودند که در نهایت همان رویکرد منجر به جنگ رمضان شد و خروجی گزارش علی‌ریعی نیز به نظر می‌رسد که در امتداد خطاهای محاسباتی‌ای است که منجر به آتش‌بس و تفاهم‌نامه بین‌پزشکیان و ترامپ شد. با این حساب اصلاً بعید به نظر نمی‌رسد که اظهارات نسنجیده و بعضاً خطرناک مسعود پزشکیان که مغایر با امنیت ملی است نیز محصول همین داده‌های اطرافیان و دستیاران او باشد.

دیگر یافته‌های همان پیمایش در حاشیه قرار گیرند. اگر قرار باشد از مجموعه‌ای از داده‌های متنوع، تنها آن دسته از ارقام که مؤید یک روایت خاص هستند برجسته شوند، خروجی نهایی دیگر صرفاً یک گزارش افکارسنجی نیست و درواقع تفسیری جهت‌دار از افکار عمومی خواهد بود؛ تفسیری که می‌تواند بر برداشت سیاست‌گذاران از وضعیت واقعی جامعه نیز اثر بگذارد.

این گزارش پس از ارائه این آمار به مبحث محاصره آمریکا ورود می‌کند و می‌نویسد: ۶۲ درصد مردم معتقدند ادامه محاصره اقتصادی و فشارهای آمریکا موجب اختلال در تأمین کالاها و ثبات قیمت‌ها خواهد شد. نکته قابل توجه آن است که نویسندگان گزارش، بلافاصله پس از طرح این گزاره، سهم عوامل خارجی را در تبیین مشکلات اقتصادی برجسته می‌کنند؛ درحالی‌که در بخش‌های دیگر همین گزارش، ناکارآمدی مدیریت از نگاه پاسخ‌دهندگان مهم‌ترین عامل مشکلات اقتصادی معرفی شده و حتی تصریح شده است که مردم بیش از تحریم، عوامل داخلی را منشأ وضعیت موجود می‌دانند. این جابه‌جایی در تأکیدها، بار دیگر این پرسش را مطرح می‌کند که آیا روایت نهایی گزارش دقیقاً بازتاب‌دهنده وزن واقعی داده‌هاست یا در مرحله تحلیل، برخی یافته‌ها پررنگ‌تر از سایر نتایج شده‌اند و با ترفند سیاه‌نمایی در جستجوی تمای نویسنندگان است؟

نکته عجیب‌تر ادعای گزارش مبنی بر افزایش محبوبیت رئیس‌جمهور در حفاصل آذر سال گذشته تا اردیبهشت سال جاری است. در حالی که چند سطر قبل تر همین گزارش ادعا می‌کند که خشم، ناامیدی و فرسایش روانی پس از آذر ۱۴۰۴ افزایش یافته است که با افزایش محبوبیت رئیس‌جمهور تناقض ذاتی دارد. چرا که سیاست‌های مبتنی بر شوک درمانی دولت نمی‌تواند هم‌زمان فرسایش روانی جامعه و محبوبیت رئیس‌جمهور را در پی داشته باشد. کمی جلوتر این گزارش راه برون‌رفت از وضع موجود را از دیدگاه مردم مطرح می‌کند و می‌نویسد: اصلاحات اساسی در چارچوب جمهوری اسلامی ۷۵/۲٪، اصلاحات محدود در چارچوب جمهوری اسلامی ۹/۱۲٪، تغییر نظام جمهوری اسلامی ۱۹٪، حفظ وضعیت موجود ۹٪.

به نظر می‌رسد که ارائه این آمار و نحوه مهندسی واژگان و اساساً طرح سؤال‌های این چنینی صرفاً برای تحلیل داده‌ها نیست و در کنار دو گزاره دیگر که در ادامه به آن می‌پردازیم ظن جهت‌دهی در سیاست‌گذاری نظام را تقویت می‌کند.

در بخش سیاست خارجی نیز همین‌الگوی

در بخش‌های مختلف این گزارش، کلیدواژه‌هایی مانند «فرسایش روانی فراگیر»، «افزایش خشم»، «گسترش ناامیدی»، «احساس عدم قطعیت نسبت به آینده» و «اکنون زدگی» به محور اصلی تحلیل تبدیل شده‌اند. نویسنده گزارش تلاش می‌کند با کنار هم قراردادن این شاخص‌ها، تصویری از جامعه ارائه دهد که مهم‌ترین ویژگی آن، فرسودگی روانی و کاهش امید اجتماعی است. بی‌تردید این شاخص‌ها بخشی از واقعیت جامعه امروز ایران هستند و هیچ تحلیلی نمی‌تواند فشارهای اقتصادی، خصوصاً فشارهایی که پس از سیاست‌گذاری‌های مسعود پزشکیان بر مردم وارد شد، آثار جنگ و تحولات اجتماعی سال‌های اخیر را نادیده بگیرد. اما مسئله از جایی آغاز می‌شود که این روایت، به روایت غالب گزارش تبدیل می‌شود و اصلاً این گزارش برای ارائه همین بخش از داده‌ها نوشته شده و باقی‌مطالب برای تزیین صحنه و میزانشن آن به تحریر درآمده‌اند. درحالی‌که همین گزارش از افزایش افتخار به ایرانی بودن، تقویت هویت ملی پس از جنگ، افزایش مقبولیت برخی نهادهای حاکمیتی، بهبود نسبی برخی شاخص‌های معیشتی و کاهش بدبینی اقتصادی نسبت به سال ۱۴۰۲ سخن می‌گوید، این داده‌ها در چینش آنها در متن نهایی، کمتر از شاخص‌های منفی مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

در بخش آغازین این گزارش این آمار دیده می‌شود:

احساس خشم و عصبانیت ۶۳/۶٪، احساس ناامیدی ۲۵/۲٪، احساس افسردگی ۴۷/۷٪، احساس ترس و اضطراب ۴۵/۴٪ و میزان رضایت از زندگی ۵/۵٪ از ۱۰.

اما همین شیوه ارائه آمار نیز محل تأمل است. این ارقام صرفاً بیانگر تجربه ذهنی پاسخ‌دهندگان در یک مقطع زمانی هستند، نه تصویری کامل از وضعیت روانی جامعه. از دل چنین داده‌هایی نمی‌توان به‌تنهایی به این نتیجه رسید که جامعه به‌چار «فرسایش روانی فراگیر» شده است، به‌ویژه آنکه همین گزارش کمی بعد، از افزایش افتخار به ایرانی بودن، تقویت هویت ملی، افزایش اعتماد پس از جنگ و رشد نسبی برخی شاخص‌های امیدبخش نیز سخن می‌گوید. به بیان دیگر، داده‌های مربوط به خشم، اضطراب یا ناامیدی زمانی معنا پیدا می‌کنند که در کنار سایر شاخص‌های اجتماعی تفسیر شوند، نه آنکه به‌عنوان ستون فقرات روایت انتخاب شوند و

خبر کوتاه

خونخواه اصلی رهبر شهید، امت اسلام هستند

نماینده ولی‌فقیه در خراسان رضوی گفت: مسئله خونخواهی و انتقام رهبر شهید، حضرت آیت‌الله‌عظمی سید علی حسینی خامنه‌ای برعهده تمام امت اسلام است. آیت‌الله‌علم‌الهدی اظهار داشت: کشتن به عنوان قصاص و انتقام از کشته‌های شما در جنگ است، اتفاقی که در جنگ احد نیز توسط پیامبر (ص) نیز انجام شد؛ آیه ۳۳ سوره اسرا نیز بر این موضوع تأکید می‌کند که ولی‌دم هرکسی هست، او نسبت به انتقام و خونخواهی ولایت دارد؛ پس این خونخواهی یک حقی است برای ولی‌دم که باید انجام بدهد. وی با بیان اینکه اگر امامی و رهبری به شهادت رسید، ولی‌دم او امت اسلام است، بیان کرد: بنابراین امت اسلامی باید نسبت به شهادت رهبر شهید ما خونخواهی کنند، به همین دلیل مقام معظم رهبری فرمودند مردم و امت اسلام باید خونخواهی کنند و این موضوع را تنها به عنوان فرزند رهبر شهید مطرح نکردند بلکه به عنوان حق امت اسلامی از آن نام بردند.

آیت‌الله اعرافی: تفاهم‌نامه با آمریکا را تمام شده تلقی کنید

آیت‌الله اعرافی، عضو فقهای شورای نگهبان و مدیر حوزه علمیه قم گفت: اکنون که رئیس‌جمهور آمریکا پایان تفاهم‌نامه را اعلام و جنگ را آغاز کرده و جهی برای پایبندی به آن باقی نمی‌ماند. وی افزود: شخص رئیس‌جمهور که به نمایندگی از اعضای شعام در برابر رهبر معظم انقلاب و مردم غیور و مقاوم ایران متعهد به اجرای بندهای تفاهم‌نامه و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی آمریکا شده‌اند و سایر اعضای شعام و فرماندهان و مسئولین دیپلماسی کشور باید تفاهم‌نامه را تمام شده تلقی کرده و راه جهاد و استقامت را در پیش بگیرند و با اطاعت تام از رهبر معظم انقلاب به همان مسیری که ایشان تشخیص داده‌اند، بازگردند.

شرکت بیش از ۴۰ میلیون نفر در تشییع قائد شهید

سردار حسن حسن‌زاده، فرمانده سپاه تهران بزرگ درباره آمار نهایی شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع رهبر شهید اظهار داشت: در تهران، قم، مشهد، کربلا و نجف، اقل‌آماری که اکنون مطرح می‌شود بالغ بر چندین میلیون نفر در مجموع این مراسم‌هاست و این موضوع بسیار قابل توجه است. این واقعه یک مراسم، یک رویداد و یک تشییع جهانی، تاریخی و ماندگار شد. فرمانده سپاه تهران بزرگ ادامه داد: حدوداً می‌توان گفت در مراسم تشییع رهبر شهیدمان بیش از ۴۰ میلیون نفر در تهران، قم، مشهد و شهرهای عراق شرکت کردند، اما این عدد، فرع قضیه است؛ اصل قضیه این است که چند ده میلیون جمعیت به کف خیابان‌ها آمدند، به خون‌خواهی رهبر عزیزمان، امام عزیزمان و امام امت فریاد زدند و این مسیر را تثبیت کردند. سردار حسن‌زاده با اشاره به حضور مردم کشورهای مختلف در این مراسم گفت: از عراق، پاکستان، افغانستان و کشورهای دیگر، همچنین از هند و کشمیر و نقاط مختلف در این مراسم حضور پیدا کردند.

مراسم بزرگداشت شهید باقری برگزار شد

مراسم بزرگداشت دکتر مصباح‌الهدی باقری، داماد رهبر شهید انقلاب با حضور سه فرزند شهید آیت‌الله‌خامنه‌ای، چهره‌های سیاسی فرهنگی و شماری از استادان دانشگاه در مسجد دانشگاه امام صادق (ع) برگزار شد. دکتر مصباح‌الهدی باقری، استاد دانشگاه امام صادق (ع) و موسس مرکز رشد این دانشگاه بود که روز نهم اسفند هم‌زمان با رهبر شهید انقلاب در حمله دشمن آمریکایی صهیونیستی به شهادت رسید. سعید جلیلی، پیمان جبلی و حداد عادل از جمله شرکت‌کنندگان در این مراسم بودند.

خبر کوتاه

دولت در آزمون ارز اربعین نمره قبولی کسب نکرد

نماینده مردم شهرکرد و عضو هیات رئیسه کمیسیون فرهنگی مجلس با بیان اینکه از موضوعات مهم در تسهیل حضور زائران ایرانی در راهپیمایی بزرگ اربعین بحث کاهش هزینه‌های سفر و یکی از پارامترهای مهم و موثر در هزینه‌های سفر، اختصاص ارز اربعین برای زائران است؛ گفت: متأسفانه دولت در این آزمون نمره قابل قبولی کسب نکرد و با سیاست گذاری اشتباه بانک مرکزی در تعیین قیمت ارز اربعین و ارز اعلامی از سوی دولت بالاتر از قیمت ارز آزاد؛ نه تنها سبب افزایش قیمت ارز در بازار آزاد شد؛ بلکه هزینه‌های زائران این سفر معنوی را افزایش داد. وی افزود: یکی از موضوعات مهم در تسهیل حضور زائران ایرانی در راهپیمایی بزرگ اربعین بحث کاهش هزینه‌های سفر است و یکی از پارامترهای مهم و موثر در هزینه‌های سفر، اختصاص ارز اربعین برای زائران این سفر است؛ اما متأسفانه دولت در این آزمون نمره قابل قبولی کسب نکرد و با سیاست گذاری اشتباه بانک مرکزی در تعیین قیمت ارز اربعین و ارز اعلامی از سوی دولت بالاتر از قیمت ارز آزاد؛ نه تنها سبب افزایش قیمت ارز در بازار آزاد شد؛ بلکه هزینه‌های زائران این سفر معنوی را افزایش داد.

موافقت شورای نگهبان با برگزاری مجازی جلسات مجلس

هادی طحان نظیف، سخنگوی شورای نگهبان، با اشاره به بررسی طرح اصلاح ماده ۱ قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی درباره سازوکار برگزاری جلسات مجلس در شرایط اضطراری، اعلام کرد که این مصوبه پس از بررسی در شورای نگهبان، مغایر موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد. وی در تشریح جزئیات این مصوبه گفت: بر اساس تبصره این ماده واحده، در مواقع اضطرار و شرایط خاص کشور که به تشخیص هیئت رئیسه مجلس، حضور نمایندگان و برگزاری جلسات رسمی مجلس، از جمله جلسات صحن، کمیسیون‌ها و هیئت رئیسه در محل دائمی مجلس امکان پذیر نباشد، این جلسات با اطلاع‌رسانی به نمایندگان در محل یا محل‌های دیگری غیر از ساختمان مجلس برگزار خواهد شد، همچنین امکان تشکیل این جلسات در بستر فضای مجازی نیز پیش‌بینی شده است. سخنگوی شورای نگهبان با بیان اینکه بررسی‌های این شورا درباره این مصوبه به پایان رسیده است، افزود: این مصوبه از نظر شورای نگهبان ایرادی نداشت و مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی در آن مشاهده نشد.

ارتش اقدام پارلمان انگلیس را محکوم کرد

روابط عمومی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در بیانیه‌ای، با اشاره به اقدام جدید پارلمان بریتانیا در اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نیروی «تروریستی»، این سازمان نظامی را، بزرگترین سازمان ضد تروریسم در جهان خواند و برهمدلی و همراهی ارتش با سپاه در مقابله با تهدیدات خارجی و متجاوزان، تأکید کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: سپاه پاسداران نه تنها در نقش یک نیروی نظامی، بلکه به عنوان نیرویی اجتماعی و فرهنگی، در طول سال‌ها، خدمات ارزنده‌ای به ملت ایران و کشورهای همسایه ارائه کرده و همواره یاوران مسلمانان و مستضعفان بوده است. اقدامات نابخردانه‌ای از جنس پارلمان بریتانیا در شرایطی صورت می‌گیرد که استعمار پیر انگلستان، سابقه سیاه و طولانی در ایجاد تفرقه، فرقه سازی و حمایت از تروریسم در منطقه غرب آسیا دارد و رژیم صهیونیستی در کنار دولت‌های اروپایی و آمریکا، نه تنها بزرگترین حامیان تروریست در جهان به شمار می‌روند بلکه با حمایت از گروهک‌های تروریستی در منطقه، در جهت تحقق اهداف شوم خویش، گام برداشته‌اند.

حمایت ملی از فرمانده نیروی دریایی سپاه



همزمان با مقاومت ستودنی و مثال‌زدنی رزمندگان اسلامی در نوار جنوبی ایران در مقابل تجاوزات آمریکا و متحدین او، نام سردار دریادار پاسدار علی عظمایی فرمانده نیروی دریایی سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی بر سر زبان‌ها افتاده است. در جریان تجمعات شبانه در سراسر کشور، بسیاری از مردم با شعار و یاد در قالب دستنوشته و پلاکارد، از سردار عظمایی تجلیل کردند. حمایت مردمی از رزمندگان نیروی دریایی سپاه در شرایطی است که بسیاری از کارشناسان نسبت به نوع رویکرد مقامات دولتی و بویژه هیات مذاکره کننده کشورمان نسبت به تجاوزات مکرر آمریکایی‌ها انتقاد کرده‌اند. روز گذشته ویدئویی قدیمی از سردار عظمایی منتشر شد که او در آن به صراحت تأکید داشت که هیچ شناور

تاملاتی در باب تحرکات اخیر جریان‌های غربی برای تسلیم بی‌قید و شرط ایران در برابر آمریکا

دشنه‌کندی به نام «صلح شرافتمندانه»

سعید قاسمی
روزنامه‌نگار

که می‌تواند جنگ را به نحو کدخدگونه‌ای پایان دهد و همچنین انتشار نامه برخی از خانواده‌های شهدای مدرسه شجره طیبه میناب خطاب به همسر رئیس‌جمهور آمریکا و درخواست پادرمیانی برای پایان دادن به جنگ در خیرگزاری دولت پزشکبان در هفته دوم جنگ، اندک اندک در جبهه آشکارتری خود را نشان می‌دهد.

در جدیدترین وجه، هماهنگی عجیب برخی از چهره‌های هنری و سیاسی در انتشار صحنه‌هایی از حملات

ظالمانه آمریکا به جنوب کشور و تمرکز بر مظلومیت شهروندان ساکنان استان‌های جنوبی در رسانه‌های رسمی از جمله صداوسیما و دوقطبی‌سازی جنگی که در جریان است و روندی که در تهران و دیگر شهرهای ایران دارد طی می‌شود، نشان می‌دهد جنوب مظلوم و عزتمند، سوژه یک بازی سیاسی برای دستکاری افکار عمومی قرار گرفته. چگونه است چهره‌ها و افرادی که حتی یک خط و یک استوری در سراسر روزهای خونبار جنگ پیش از آتش‌بس منتشر نکردند، اکنون ناگهان به یک باره پادشاهان افتاده باشند که جنوب ایران هم جزئی از ایران است؟ چگونه ممکن است میناب و لامرد و اصفهان و تهران و شیراز را ندیده باشی و حالا ناگهان بندرعباس و بوشهر و چابهار برایت مهم باشد؟ «صلح شرافتمندانه» ای که خاتمی از آن دم می‌زند، باید از دیدگاه‌هایی برآید که سازش را معقول‌تر از مقاومت نشان می‌دهد و این تصویر ممکن نیست جز آنکه مظلومیتی رسانه‌ای شده بر مظلومیتی واقعی که جان می‌دهد مال‌ب به شکایت باز نمی‌کند، حاکم شود.

به عبارت گویاتر، عده‌ای برآنند تا درد و زخم حقیقی مردم را دستمایه تفسیر و تحلیل در ظاهر دلسوزانه‌ای کنند که جز صرف نظر از حقوق اساسی مردم در آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده و رفع تحریم‌های ظالمانه و پرداخت غرامت تعرض به خاک ایران و کشتن بیش از سه هزار ایرانی و سه هزار لبنانی، راهی

سه رخداد اظهارات فیاض‌زاهد در مورد ضرورت گذشت رهبر معظم انقلاب از قاتلان پدرش که تمامی جنگ را یک انتقام شخصی بی‌مورد تصویر می‌کرد، در نامه علی ربیعی، دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور در یک وب‌سایت ضدانقلاب که براساس یک پیمایش، تاب‌آوری ایرانیان را کاششی ترسیم کرده بود و به ویژه سخنان سید محمد خاتمی که ضمن تمجید از مقاومت مثال‌زدنی مردم و نیروهای نظامی، دفاع و خون‌خواهی را جنگ طلبی و انتقام دانسته بود؛ نشانه‌هایی از تحرکات جریان اصلاح طلب در فضای پس از زعامت رهبری جدید انقلاب است.

این سه اتفاق به ویژه با ضرب‌آهنگی سریع در کنار وقوع نخستین نشانه‌های نقض عهد تفاهم اسلام‌آباد از سوی آمریکا و ۳۰۰ حمله به نوار جنوبی کشور در شش شب گذشته، در بهترین و گویاترین شکل ممکن، نوعی از بزرگ‌سازی علمی از توافقی است که پایان آن هم از سوی طرف آمریکایی اعلام شده و هم از سوی طرف ایرانی. القای خستگی جامعه‌ای که از نظر مصرف کالاهای غذایی و از نظر معیارهای هیجانی و احساسات انسانی، ندار، عضبانی، خشمگین و کم‌اعتماد است، اگرچه خواهان عزت و سرفرازی میهن خود است و تمایلی نیز به مهاجرت ندارد؛ در کنار تقدیس صلح به ذات خود و استناد کلی و مبهم به سیره ائمه معصومین در اجتناب از جنگ، نشان می‌دهد جریانی که تسلیم را یگانه راه خروج از محاصره می‌شناسد و البته آن را معقول، مردم‌گرایانه و البته دینی تصویر می‌کند؛ در پی آن است که ماجرای جنگ تحمیلی سوم را با تقلیل و تحریف به نحوی سریع فیصله دهد.

صد البته فشار و سختی و رنج فرساینده مردم زیر بار توری که به دروغ از پیامدهای جنگ عنوان می‌شود، روز به روز ابعاد جدی‌تری می‌یابد، اما تلاش پنهانی که در ساعات اولیه انتشار شایعات شهادت رهبری شهید انقلاب با هدف تصویرسازی از حسن روحانی به عنوان رهبر میانه‌روی



نشان نمی‌دهد و مسیر پذیرش شرایطی که تفاهم نقض شده را همچنان معتبر می‌شناسد و روز پس از نقض تفاهم و بمباران جنوب کشور را با روز نخست بعد از جنگ، یکسان توصیف می‌کند. این حرکت دو محور دارد: اولاً تکیه بر تورم و ضعف اقتصادی و فشار معیشتی که به درستی بر زیست و زندگی مردم سایه انداخته اما راه رفع آن، آشتی جویی با دشمن مکار آمریکایی نیست و ثانیاً تفسیرسازی مجعول از عده‌های پیمایشی که اتفاقاً حقوق هسته‌ای را می‌خواهد. هدف از این حرکت آن است که آن بدنه اجتماعی که در بیان توهین آمیز فیاض‌زاهد، مانند رهبر معظم انقلاب، عزادار عزیزان‌شان هستند و در تفسیر علی ربیعی از پیمایش اجتماعی ۱۴۰۵، دچار اکنون‌زدگی است و رؤیایی ندارد و در سخنان سید محمد خاتمی خواهان صلح و عقلانیت و گفت‌وگو و تحذیر از افراط و خشونت و جنگ‌افروزی تعریف می‌شود؛ با تویت و استوری و ویدئو دلسوزی کسانی که جنگ را بدون عامل و مجری آن محکوم می‌کنند و سابقه ۲۰ سال اخیر ایران برای حل مناقشه هسته‌ای را نمی‌بینند، رضایت بدهد که چاره‌ای جز تسلیم نیست و این تسلیم، آنقدر تلخ و جانگداز و دردناک است که باید نام‌ها و عناوینی تزئینی برای آنها دست و پا کرد. چیزی از جنس «صلح شرافتمندانه» که به دشنه‌کندی می‌ماند که نه قربانی را رها می‌کند و نه او را راحت می‌سازد.

✓ گریدور عمانی خالی ماند؛ نبض هرمز در دست ایران



جدیدترین پایش ماهواره‌ای «کیپر» نشان می‌دهد که هیچ کشتی‌ای از مسیر تحت حمایت آمریکا، موسوم به «گریدور عمانی»، عبور نکرده است. کیپر نوشت: روز سه‌شنبه هفته جاری ۲۱ کشتی از تنگه هرمز عبور کرده‌اند که بیشتر آن‌ها کشتی‌های تجاری حامل نفت خام، گاز مایع (LPG)، متانول و سنگ آهن بودند؛ اما هیچ عبوری از مسیر جنوبی ثبت نشده که این نشان دهنده کاهش شدید اعتماد به این مسیر است. این در حالی است که ترامپ می‌گوید تنگه باز است؛ او در پاسخ به خبرنگار فاکس نیوز گفت: «منظورم این است که اگر مردم بخواهند از آن عبور کنند، باز است.» صدوسیما نیز در گزارشی از آخرین تحولات تنگه هرمز اعلام کرد که این آبراه راهبردی همچنان به دستور ایران و با اجرای نیروی دریایی سپاه بسته است و

هرگونه عبور بدون هماهنگی با ایران، «غیرقانونی» خواهد بود و با مجازات همراه می‌شود. رویترز نیز در گزارشی به نقل از داده‌های کشتیرانی اعلام کرد که تعداد کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز در روز سه‌شنبه افزایش یافت و بیشتر این شناورها با تجارت ایران مرتبط بودند؛ این تردها تنها یک روز پیش از آن انجام شد که محاصره دریایی آمریکا از روز چهارشنبه (دیروز) به اجرا درآمد. همچنین کشتی‌هایی که با محموله‌های صادراتی ایران از تنگه خارج شدند، شامل یک نفتکش بسیار بزرگ حامل ۲ میلیون بشکه نفت خام، یک نفتکش میان‌برد حامل فرآورده‌های نفتی با لایش شده و دو نفتکش حامل گاز مایع نفتی بودند. داده‌ها همچنین نشان می‌دهد یک نفتکش حامل متانول و یک کشتی فله‌بر حامل

سنگ آهن نیز روز سه‌شنبه از خلیج فارس خارج شدند. مؤسسه تحقیقاتی و تحلیلی بخش نفت و گاز «اچ‌اف‌آر» با انتشار ویدیوی ماریس ترافیک می‌گوید: «فجیره عملاً از کار افتاده است.» پیشترین مؤسسه اعلام کرده بود اگر فجیره، به عنوان اصلی‌ترین بندر انتقال کشتی به کشتی نفت در امارات از کار بیفتد، برای بازار نفت اثری معادل بسته شدن باب‌المندب خواهد داشت. حالا اچ‌اف‌آر می‌گوید حتی حفاظت آمریکا نیز نتوانسته است به امارات کمک کند و قرار است ۶ میلیون بشکه نفت از بازار خارج شود. مالک شرکت لجستیک دریایی «استولت نیلسن» نیز به وال استریت ژورنال می‌گوید که شرکت‌های کشتیرانی نگران گسترش درگیری‌ها به خارج از تنگه هرمز هستند.

وزارت نیرو از آغاز قطع برنامه‌ریزی شده برق خبر داد؛

وعده «بدون خاموشی» دولت دوام نیاورد

خاموشی‌های این هفته، صرفاً آغاز چند ساعت قطع برق در برخی مناطق نبود؛ بلکه نشان داد مهم‌ترین چالش اقتصاد ایران در تابستان ۱۴۰۵ همچنان ناترازی انرژی است. دولت با اعلام افزایش ظرفیت تولید برق، وعده داده بود تابستان امسال بدون خاموشی سپری خواهد شد. اما با افزایش مصرف و آغاز محدودیت‌های برق در بخش خانگی و صنعتی، مشخص شد این وعده دولت هم بدون محاسبه بوده است.

تهران بزرگ از اعمال محدودیت‌های پراکنده در شبکه برق پایتخت خبر داد و از شهروندان خواست از طریق سامانه‌های رسمی، اپلیکیشن «برق من»، سامانه ۱۲۱ و کدهای دستوری، زمان خاموشی احتمالی را استعلام کنند. اما تنها ساعاتی بعد، جدول‌هایی در شبکه‌های اجتماعی با عنوان «برنامه خاموشی تهران» منتشر و به سرعت دست به دست شد. در مقابل، شرکت توزیع برق تهران بزرگ با صدور اطلاعیه‌ای، انتشار این جدول‌ها را تکذیب کرد و اعلام کرد هیچ جدول رسمی برای پایتخت منتشر نشده و محدودیت‌ها به صورت مودی و بر اساس شرایط شبکه اعمال می‌شود. با این حال طی بررسی‌های نوبنیاد در دو روز گذشته برخی مناطق تهران قطعی دوساعت برق بدون اطلاع‌رسانی رخ داد. برخی مشتریان نیز این موضوع را در برخی مناطق تأیید کرده‌اند. این دوگانگی باعث شد بسیاری از شهروندان ندانند برق چه زمانی قطع خواهد شد؛ موضوعی که برای اصناف، واحدهای تولیدی، مراکز درمانی، کسب و کارهای اینترنتی و حتی خانواده‌ها مشکلات متعددی ایجاد کرد.

در همین زمینه، غلامحسین مقیمی، مدیرکل روابط عمومی وزارت نیرو دیروز با حضور در تلویزیون با تأیید آغاز خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده اعلام کرد اگر مردم حدود ۱۰ درصد در مصرف برق صرفه‌جویی کنند و یا دمای هوا کاهش یابد، احتمال توقف خاموشی‌ها وجود دارد. وی ادامه داد: طبق معمول، خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده اعمال می‌شود که همان‌طور که نیز اعلام شد، از روز ۲۰ تیرماه به صورت پلکانی آغاز شده و دیروز نیز در بخش‌هایی از تهران اجرا شد. این خاموشی‌ها صد درصد با اطلاع‌رسانی قبلی از طریق مبادی اطلاع‌رسانی وزارت نیرو از جمله سایت‌ها، اپلیکیشن «برق من»، کدهای USSD و سایر شبکه‌های اطلاع‌رسانی اعلام می‌شود. همچنین برای مدیران ساختمان‌هایی که در سامانه‌های وزارت نیرو و شرکت توانیر ثبت‌نام کرده‌اند، پیامک زمان خاموشی ارسال می‌شود. مقیمی گفت: همان‌طور که وزیر نیرو نیز اعلام کرده‌اند، پیش‌بینی ما این است که تا نیمه یا حتی اواخر مرداد بتوانیم شرایط را مدیریت کنیم و شهرریور را مانند سال گذشته بدون خاموشی پشت سر بگذاریم.

اکنون مهم‌ترین مطالبه مردم و فعالان اقتصادی، علاوه بر تأمین برق پایدار، اطلاع‌رسانی دقیق، شفاف و قابل پیش‌بینی درباره زمان خاموشی‌هاست؛ زیرا در شرایطی که قطعی برق اجتناب‌ناپذیر شده، مدیریت صحیح اطلاع‌رسانی می‌تواند بخشی از خسارت‌های اقتصادی و اجتماعی را کاهش دهد.

که دولت به جای وعده‌های بدون پشتوانه، بر توسعه نیروگاه‌های سیکل ترکیبی و انرژی‌های تجدیدپذیر تمرکز کرده و ظرفیت برق خورشیدی را از حدود هزار مگاوات به

نزدیک پنج هزار مگاوات رسانده است. عباس علی‌آبادی وزیر نیرو نیز در ماه‌های گذشته با اشاره به آمادگی شبکه برق کشور برای تابستان امسال اعلام کرده بود که ظرفیت عملی تولید برق کشور را به حدود ۷۰ هزار مگاوات رسانده‌ایم؛ در حالی که سال گذشته این ظرفیت حدود ۶۲ هزار و ۸۰۰ مگاوات بود. امیدواریم با همکاری مردم بتوانیم تابستان را بدون خاموشی پشت سر بگذاریم. اما تنها چندین هفته پس از این اظهارات، از روز ۲۰ تیرماه امسال، خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده دو ساعته خانگی در استان‌های مختلف آغاز شد. همچنین محدودیت تأمین برق صنایع نیز به دروز در هفته رسید. خاموشی‌هایی که برخلاف وعده‌های ماه‌های گذشته، اکنون دوباره به یکی از دغدغه‌های خانوارها و فعالان اقتصادی تبدیل شده است. پیش از این عبدالامیر یاقوتی، مدیرکل دفتر مدیریت انرژی توانیر نیز آغاز خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده را تأیید کرده و گفته است ادامه این وضعیت به دو عامل دمای هوا و میزان مدیریت مصرف وابسته است. به گفته او، نیروگاه‌های کشور با حداکثر ظرفیت در مدار هستند.

صنعت؛ نخستین قربانی

اگرچه خاموشی‌های خانگی بیش از همه در معرض دید افکار عمومی قرار دارد، اما به اعتقاد فعالان اقتصادی، بزرگ‌ترین آسیب ناترازی برق متوجه بخش تولید است. تقریباً از ابتدای تابستان، صنایع بزرگ با محدودیت مصرف برق روبه‌رو بودند، اما از هفته جاری دامنه این محدودیت‌ها گسترده‌تر شده است. تجربه سال‌های اخیر نشان داده که هر ساعت توقف تولید در صنایع فولاد، سیمان، آلومینیوم، پتروشیمی و صنایع کوچک، تنها به کاهش تولید محدود نمی‌شود؛ بلکه زنجیره تأمین، صادرات، اشتغال و حتی بازار مصرف را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. از همین رو بسیاری از فعالان اقتصادی معتقدند ناترازی برق دیگر صرفاً یک مسئله فنی نیست، بلکه به یک چالش اقتصادی تبدیل شده است.

حلقه مفقوده مدیریت خاموشی‌ها

اما آنچه بیش از خود خاموشی‌ها موجب نارضایتی مشترکان شد، ابهام در اطلاع‌رسانی است. صبح دیروز (۲۴ تیر) شرکت توزیع برق

پس از چند ماه وعده درباره عبور بدون خاموشی از تابستان، خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده از هفته جاری آغاز شده است؛ همزمان افزایش مصرف برق، فشار بر شبکه و محدودیت برق صنایع، دوباره ناترازی انرژی را به مهم‌ترین چالش تولید تبدیل کرده است. گرمای هوا از ابتدای هفته جاری به اوج خود در سال جاری رسید. هرچند به دلیل بارش‌های مناسب بهاری، ورود موج گرمای شدید نسبت به سال گذشته با چند ماه تأخیر همراه شد، اما همزمان با افزایش محسوس دما در اغلب استان‌های کشور، مصرف برق نیز جهش کرد و شبکه برق دوباره وارد شرایط بحرانی شد؛ شرایطی که نتیجه آن، آغاز خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده در بخش خانگی و تشدید محدودیت برق صنایع بود. این اتفاق در حالی رخ داده که دولت طی ماه‌های گذشته بارها اعلام کرده بود تابستان ۱۴۰۵ نسبت به سال قبل شرایط متفاوتی خواهد داشت و با افزایش ظرفیت تولید برق، مردم شاهد خاموشی نخواهند بود. اکنون با آغاز خاموشی‌ها، دوباره این پرسش مطرح شده است که آیا افزایش ظرفیت تولید توانسته فاصله میان عرضه و تقاضا را جبران کند یا ناترازی برق همچنان مهم‌ترین مانع تولید و فعالیت اقتصادی کشور است؟

وعده‌ای که محقق نشد

یکی از مهم‌ترین وعده‌های دولت درباره صنعت برق را مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم، بهمن‌ماه سال گذشته در نشست فعالان اقتصادی لرستان مطرح کرد؛ وعده‌ای که امروز با آغاز خاموشی‌ها دوباره مورد توجه قرار گرفته است. رئیس‌جمهور در آن نشست گفته بود: «وقتی دولت را تحویل گرفتیم کشور ۲۵ هزار مگاوات کسری انرژی مواجه بود. وعده دروغ به مردم نمی‌دهیم و صادقانه حرف می‌زنیم. تاکنون ۱۰ هزار مگاوات به ظرفیت تولید برق کشور اضافه شده و ظرفیت نیروگاه‌های خورشیدی نیز چند برابر شده است. با روندی که در پیش گرفته‌ایم، تابستان ۱۴۰۵ دیگر خاموشی نخواهیم داشت و مردم نگرانی قطع برق نداشته باشند. پزشک‌هایمان همچنین تأکید کرده بود

برق بیشتری به صنایع رسید؟

وزارت نیرو: صنایع، بخش مولد کشور هستند و تأمین برق آن‌ها به معنای تأمین نیازهای ضروری کشور است. اقداماتی که انجام شده، موجب شده است نسبت به سال گذشته تأمین برق بهتری برای واحدهای صنعتی صورت گیرد. تا پیش از افزایش دما نیز تقریباً با حداقل میزان مدیریت بار، برق صنایع تأمین می‌شد و در برخی صنایع از جمله پتروشیمی‌ها و فولادها، نسبت به سال گذشته برق بیشتری در اختیار واحدهای تولیدی قرار گرفته است.

دیده‌بان

ارز صادراتی؛ دارایی خصوصی یا سرمایه ملی؟

معاون برنامه‌ریزی و مقررات سازمان توسعه تجارت ایران، دیروز گفت که «اعتقاد ما در وزارت صمت این است که ارز صادراتی برای بازرگان است.» عمادالدین سخایی اعلام کرد که با مصوبه شورای عالی امنیت ملی در جنگ رمضان، مقررات تجاری به شرایط پیش از سال ۱۳۹۷ بازگشت. اکنون باید نگاه به تجارت تغییر کند تا امکان تطبیق ارز صادراتی با نیازهای وارداتی فراهم شود. این دیدگاه در حالی مطرح می‌شود که طی سال‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذار ارزی، عدم بازگشت ارز حاصل از صادرات بوده است؛ موضوعی که نه تنها بانک مرکزی، بلکه سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و کمیسیون اصل ۹۰ مجلس نیز بارها درباره آن هشدار داده‌اند. از منظر حقوق مالکیت، سخن معاون سازمان توسعه تجارت بیراه نیست؛ صادرکننده مالک کالایی است که صادر کرده و درآمد حاصل از فروش آن نیز متعلق به اوست؛ اما اقتصاد کلان صرفاً با منطق مالکیت خصوصی اداره نمی‌شود. در اغلب کشورهای دنیا، زمانی که کشور با محدودیت منابع ارزی، تحریم یا بحران تراز پرداخت‌ها مواجه باشد، دولت‌ها برای بازگشت ارز صادراتی مقررات ویژه وضع می‌کنند؛ زیرا ارز صادراتی تنها درآمد یک بنگاه نیست، بلکه بخشی از منابع ارزی کشور برای تأمین کالاهای اساسی، مواد اولیه، دارو و تجهیزات تولید نیز محسوب می‌شود. به همین دلیل نیاز سال ۱۳۹۷ و هم‌زمان با تشدید تحریم‌ها، دولت صادرکنندگان را مکلف کرد ارز حاصل از صادرات را از مسیرهای تعیین‌شده به چرخه اقتصادی بازگرداند. ذبیح‌المحمد اثابیان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، چند هفته پیش گفت: «۲۰ هزار و ۶۷۶ نفر از صادرکنندگان دارای ۹۴ میلیارد یورو تعهدات ارزی هستند. از مجموع این رقم، حدود ۲۸ میلیارد یورو مربوط به سه شرکت دولتی، از جمله شرکت ملی نفت و شرکت‌های پالایشی، بوده که بخش قابل توجهی از وضعیت آن تعیین تکلیف شده و پیگیری‌ها همچنان ادامه دارد.» با این حال، اگر الزام‌های بازگشت ارز برداشته شود، چه تضمینی وجود دارد که تجربه سال‌های گذشته تکرار نشود؟ هر زمان نظارت بر بازگشت ارز کاهش یافته، بازار ارز با نوسانات بیشتری مواجه شده است.

از سوی دیگر، سخایی گفت که دو میلیارد دلار از به بخش صنعت تخصیص یافته و اگر تخصیص ارز به صورت هفتگی و مستمر انجام شود، تا پایان شهریور صف تخصیص ارز جمع خواهد شد. این سخن پرسش مهمی مطرح می‌کند: اگر کمبود ارز به اندازه‌ای جدی است که صنایع برای دریافت آن ماه‌ها در صف می‌مانند، چگونه می‌توان هم‌زمان از آزاد گذاشتن ارز صادراتی و کاهش الزامات بازگشت آن دفاع کرد؟ در شرایطی که کشور همچنان با محدودیت منابع ارزی روبه‌رو است، هر دلار صادراتی که به چرخه اقتصادی بازنگردد، می‌تواند مستقیماً بر واردات مواد اولیه، تجهیزات تولید، دارو و کالاهای اساسی اثر بگذارد.

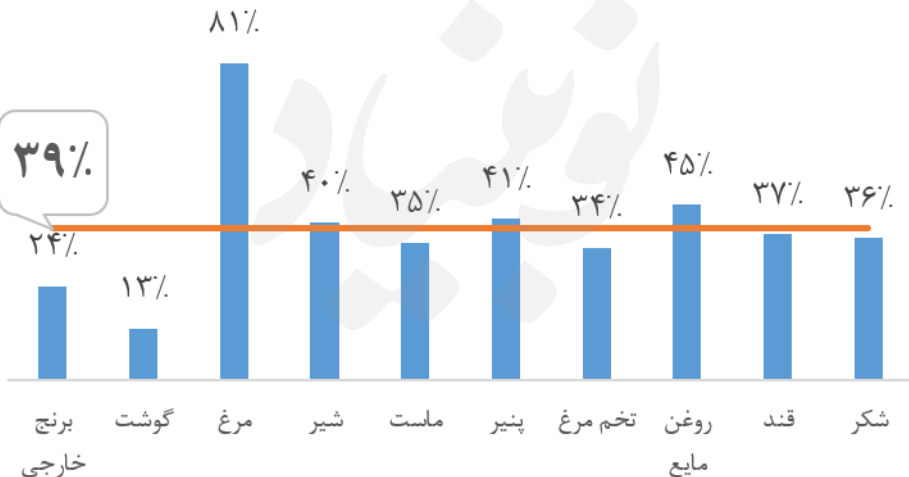
نوبید گزارش می‌دهد؛

افزایش مبلغ کالابرگ؛ همچنان در حد وعده

«اعتبار کالابرگ متناسب با افزایش قیمت کالاهای اساسی اصلاح می‌شود.» این وعده‌ای است که از ابتدای حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی و افزایش قیمت آنها، مقامات دولت و، به‌ویژه، مسعود پزشکیان بارها بر آن تأکید کرده‌اند. اما با وجود گذشت

چندین ماه از آغاز اجرای طرح، مبلغ کالابرگ همچنان تغییری نکرده و همان اعتبار یک میلیون تومانی برای مشمولان شارژ می‌شود؛ اعتباری که به گفته خود مسئولان، دیگر توان خرید سبد اولیه کالاهای اساسی را ندارد.

افزایش رقم اقلام (خرداد ۱۴۰۵ نسبت به بهمن ۱۴۰۴)



حمید کمار

روزنامه نگار

طرح کالابرگ الکترونیکی با هدف حفظ قدرت خرید خانوارها و جلوگیری از کاهش مصرف کالاهای اساسی اجرا شد. دولت اعلام کرد که خانوارها می‌توانند اعتبار اختصاص یافته را برای خرید ۱۱ قلم کالای اساسی شامل برنج، روغن، گوشت، مرغ، لبنیات، تخم مرغ، حبوبات، قند، شکر، ماکارونی، میوه و تره‌بار استفاده کنند. فلسفه اصلی این طرح آن بود که حتی اگر قیمت کالاها افزایش پیدا کند، خانوارهای مشمول همچنان بتوانند همان سبد غذایی را تهیه کنند.

تورم از کالابرگ جلوزد

اما مهم‌ترین چالش طرح، همان چیزی بود که از ابتدا نیز پیش بینی می‌شد: تورم. داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد قیمت اقلام اساسی در خرداد امسال نسبت به بهمن سال گذشته حدود ۴۰ درصد افزایش یافته است. البته اکنون با توجه به رسیدن به روزهای پایانی تیرماه، رقم افزایش قیمت این کالاها بیشتر هم شده است. در همین رابطه، بر اساس اعلام یعقوب اندیش، معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، هزینه سبد ۱۱ قلم کالای مشمول کالابرگ نسبت به زمان آغاز اجرای طرح حدود ۶۸ درصد افزایش یافته است. به همین دلیل، وزارت تعاون طی ماه‌های گذشته چندین سناریو برای افزایش اعتبار کالابرگ به دولت ارائه کرده است تا قدرت خرید خانوارها حفظ شود. با این حال، اعتبار کالابرگ هنوز افزایش نیافته و مشمولان همچنان همان اعتبار قبلی را دریافت می‌کنند.

شش ماه از وعده دولت گذشت

رئیس جمهور نیز چندی پیش اعلام کرد که دولت وعده افزایش مبلغ کالابرگ را داده و این مبلغ باید متناسب با نرخ تورم اصلاح شود. او حتی از اختلاف نظرها و

مذاکرات با تیم اقتصادی دولت برای تأمین منابع این افزایش سخن گفت. با این حال، این وعده هنوز به تصمیم اجرایی تبدیل نشده است و هیچ مصوبه رسمی درباره افزایش اعتبار ابلاغ نشده است. مسئولان دولت اعلام می‌کنند مانع اصلی در افزایش رقم کالابرگ، تأمین منابع است. معاون رفاه وزارت تعاون اعلام کرده است که هدف دولت حفظ قدرت خرید مردم است، اما محدودیت منابع مالی اجازه افزایش کامل اعتبار متناسب با تورم را نداده است. به گفته او، جلسات مشترکی میان سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و وزارت تعاون برای یافتن منابع پایدار و غیرتورمی در حال برگزاری است. حتی یکی از سناریوهای مطرح شده، افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی اعتبار برای برخی دهک‌هاست، نه افزایش یکسان برای همه مشمولان.

مجلس: منابع وجود دارد؛

دولت باید اجرا کند

اما مجلس روایت متفاوتی دارد. محسن زنگنه، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، افزایش اعتبار کالابرگ را «تکلیف قانونی دولت» دانسته و معتقد است منابع اجرای آن در قانون بودجه پیش‌بینی شده است. به گفته او، درآمدهای حاصل از اصلاح نرخ ارز و افزایش درآمدهای نفتی باید برای تقویت کالابرگ هزینه شود و دولت نمی‌تواند صرفاً به دلیل محقق نشدن بخشی از منابع، اجرای این تکلیف را به تعویق بیندازد. او همچنین پیشنهاد کرده است که دولت از ظرفیت‌هایی مانند مولدسازی دارایی‌ها، فروش اموال مازاد، عرضه سهام شرکت‌های دولتی یا جابه‌جایی برخی ردیف‌های بودجه برای تأمین منابع استفاده کند.

مهرداد گودرزوند چگینی، دیگر عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نیز معتقد است منابع افزایش حدود ۵۰ درصدی اعتبار کالابرگ از قبل در قانون پیش‌بینی شده و دولت می‌تواند از

محل مابه‌التفاوت نرخ ارز این افزایش را تأمین کند. با این حال، او نیز تأکید کرده که هنوز هیچ ابلاغ رسمی درباره افزایش اعتبار صورت نگرفته است. در همین حال، برخی نمایندگان از جمله اعضای کمیسیون اجتماعی حتی خواستار «دو برابر شدن» اعتبار کالابرگ شده‌اند، هرچند ادعان دارند که توان مالی دولت ممکن است اجازه تحقق کامل این مطالبه را ندهد.

وعده‌ها ادامه دارد؛

کالابرگ همچنان بدون تغییر

در روزهای اخیر، بار دیگر موضوع افزایش اعتبار کالابرگ در رسانه‌ها مطرح شده است. دولت همچنان از بررسی سناریوهای مختلف سخن می‌گوید و مجلس نیز بر اجرای تکلیف قانونی تأکید دارد. اما در عمل، اعتبار کالابرگ تغییری نکرده و همچنان همان مبلغ قبلی برای مشمولان شارژ می‌شود. در همین رابطه، شاهرخ رامین عضو کمیسیون اجتماعی مجلس در این باره گفت: آنچه تاکنون منابع اجرای این تصمیم شده، مسئله تأمین منابع مالی است. در صورتی که نرخ ارز تغییر کند یا دولت طبق قانون اجازه فروش نفت یا قیمت‌های جدید را داشته باشد، طبیعتاً میزان منابع ریالی حاصل نیز افزایش خواهد یافت و در نتیجه امکان افزایش مبلغ کالابرگ فراهم می‌شود.

وی افزود: از ابتدای اردیبهشت سال ۱۴۰۵ به دلیل محدودیت‌های ایجادشده در فروش نفت و مسائل مرتبط با تردد دریایی در تنگه هرمز، عملاً در مقطعی امکان فروش نفت وجود نداشت و همین موضوع موجب اختلال در تأمین منابع مالی طرح کالابرگ شد. این نماینده مجلس تأکید کرد: انتظار می‌رود با بهبود شرایط و از سرگیری صادرات نفت، منابع مالی مورد نیاز این طرح تأمین شود. به محض تأمین منابع پایدار، هم دولت و هم مجلس، به عنوان نمایندگان مردم، موضوع افزایش کالابرگ را به طور جدی پیگیری خواهند کرد تا این مطالبه معیشتی جامعه محقق شود.

اعتبار کالابرگ باید متناسب با تورم تغییر کند

مصطفی مطورزاده

عضو کمیسیون

اقتصادی مجلس؛

اجرای طرح کالابرگ

اگرچه با هدف

حمایت از معیشت

خانوارها و تقویت

قدرت خرید

دهک‌های پایین

درآمدی آغاز شد،

اما در عمل به دلیل

تورم نتوانسته

تأثیر قابل توجهی بر

سفره مردم و کاهش

فشار ناشی از تورم

داشته باشد. دولت

باید میزان اعتبار

کالابرگ را متناسب با

نرخ تورم و افزایش

قیمت کالاهای

اساسی به‌روزرسانی

کند تا اثرگذاری آن

بر معیشت مردم

افزایش یابد.

نبض بازار

خزانه‌داری آمریکا ۱۳۰ میلیون دلار دیگر را صادره کرد

وزارت خزانه‌داری آمریکا از مسدود شدن بیش از ۱۳۰ میلیون دلار دارایی رمزارزی خبرداد و مدعی شد این کیف پول‌ها با بانک مرکزی ایران در ارتباط بوده‌اند. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، دیروز اعلام کرد که دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا چندین کیف پول را که به ادعای او با بانک مرکزی ایران مرتبط بوده‌اند، تحریم کرده و بیش از ۱۳۰ میلیون دلار از دارایی‌های رمزارزی آن‌ها را مسدود کرده است. گفته می‌شود این دارایی‌ها به صورت استیبل‌کوین USDت روی شبکه ترون نگهداری می‌شده‌اند. پیش از این نیز در فروردین‌ماه، شرکت تتر بیش از ۳۴۴ میلیون دلار دارایی رمزارزی منتسب به ایران را فریز کرده بود. حالا مجموع دارایی‌های منتسب به ایران که از اسفند ۱۴۰۳ تاکنون مسدود شده‌اند، به حدود یک میلیارد دلار رسیده است.

بدهی ۶ همتی خودروسازان

به تأیرسازان

رئیس انجمن صنعت تأیر ایران می‌گوید: خودروسازان مطالبات معوقی به تولیدکنندگان صنعت تأیر دارند و اکنون رقم مطالبات این صنعت از خودروسازان به بیش از ۶ همت رسیده است. جمال میرزایی با اشاره به رشد صنعت تأیر در سال‌های اخیر گفت: در بخش تأیرهای سواری، کشور به خودکفایی رسیده است و در برخی سایزها و محصولات خاص نیز واردات متناسب با نیاز مصرف‌کنندگان انجام می‌شود، اما ظرفیت تولید داخل به‌گونه‌ای است که امکان تأمین تقریباً تمام نیاز کشور در این بخش وجود دارد. وی افزود: در حوزه تأیرهای باری و اتوبوسی نیز در حال حاضر بیش از ۳۰ درصد نیاز کشور از طریق تولید داخلی تأمین می‌شود و ظرفیت فعلی تولید می‌تواند حدود ۴۰ درصد نیاز بازار را پوشش دهد. رئیس انجمن صنعت تأیر ایران با بیان اینکه شرکت‌های تولیدکننده در حال اجرای طرح‌های توسعه‌ای هستند، اظهار کرد: در صورت تأمین ارز و حمایت‌های لازم، امکان افزایش سهم تولید داخلی به بیش از ۹۰ درصد نیز وجود دارد. میرزایی تصریح کرد: مشکلات تأمین ارز، کمبود نقدینگی و افزایش هزینه‌های تولید همچنان ادامه دارد، اما تولیدکنندگان به دنبال افزایش غیرمنطقی قیمت‌ها نیستند و تنها خواهان اصلاح قیمت‌ها متناسب با هزینه‌های واقعی تولید هستند.

آب تهران جیره‌بندی می‌شود؟

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران اعلام کرد: تاکنون هیچ برنامه‌ای برای نوبت‌بندی قطع آب نداریم. علیرضا جزقاسمی گفت: اگر بخوایم آب شرب مردم استان تهران به‌صورت عادی تأمین شود، در ابتدای سال آبی، یعنی ابتدای مهر هر سال، باید پشت پنج سد استان تهران حدود ۸۵۰ میلیون مترمکعب آب ذخیره باشد، اما به دلیل بیش از پنج سال خشکسالی متوالی در ایران، در ابتدای سال آبی فعلی، یعنی مهر ۱۴۰۴، سدها فقط ۲۵۰ میلیون مترمکعب آب داشتند. وی ادامه داد: با وجود آغاز خشک سال آبی، بارش‌هایی که در اواخر اسفند سال قبل، فروردین و اردیبهشت امسال رخ داد، و همچنین با همکاری مردم، هم‌اکنون سدها ۱۶۰ میلیون مترمکعب بیش‌تر از مدت مشابه سال گذشته آب ذخیره دارند، اما شرایط سفره‌های زیرزمینی همچنان مناسب نیست. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران اظهار کرد: امسال با وجود افزایش ذخایر سدها نسبت به سال قبل، گرمای هوا نیز بیشتر شده است؛ به‌گونه‌ای که شب‌ها شاهد استفاده بیشتر از کولرهای آبی هستیم. تاکنون هیچ برنامه‌ای برای نوبت‌بندی قطع آب نداریم و پیش‌بینی می‌کنیم با همکاری مردم، در ماه‌های پیش رو مشکلی در تأمین آب وجود نداشته باشد. وی گفت: آمار مشترکان خوش‌مصرف در سه‌ماهه ابتدایی امسال نسبت به سال قبل، از ۲۹ درصد به ۵۴ درصد رسیده و مشترکان بسیار پرمصرف نیز از ۸ درصد به ۲ درصد کاهش یافته‌اند و باقی مشترکان در گروه پرمصرف‌ها قرار می‌گیرند.

بین الملل

انصارالله یمن: لجاجت سعودی ها با پاسخ های شدیدتر مواجه خواهد شد

علی العماد عضو دفتر سیاسی جنبش انصارالله تأکید کرد که نبرد شکستن محاصره یمن، یک مسئولیت ملی و وظیفه‌ای است که بازگشت از آن ممکن نیست و صرفاً یک گام سیاسی یا ابزار فشار نظامی نیست. وی در گفتگو با شبکه «المسیره» خاطرنشان کرد که تجاوز عربستان به فرودگاه صنعا، بار دیگر ماهیت نقش سعودی را برملا کرد. ریاض ترجیح داده به قیمت رنج مردم یمن، به محاصره ادامه داده و به پروژه آمریکایی-اسرائیلی خدمت کند؛ این در حالی است که می‌داند تداوم این رویکرد، پیامدهای نظامی و امنیتی فزاینده‌ای را برایش به همراه خواهد داشت. العماد با اشاره به همبستگی رسمی و مردمی در یمن طی عملیات شکستن محاصره، گفت که این وضعیت نشان‌دهنده سطح آمادگی و ایمان به مسئولیت‌پذیری است و ثابت می‌کند یمنی‌ها تا پایان کامل محاصره، در راه گرفتن حقوق خود مصمم هستند.

العماد از ابتکار ایران برای حمایت از یمن از طریق برقراری پروازها تقدیر و تأکید کرد که ایران در حالی این گام را برداشت که از حجم مخاطرات آن آگاه بود. خلبانان ایرانی با روحیه‌ای جهادی و شهادت‌طلبانه و با آگاهی از اینکه با دشمنی که ابایی از هدف قرار دادن هواپیماهای غیرنظامی ندارد روبرو هستند، اقدام کردند.

وی تأکید کرد که ایران تنها کشوری بود که از روی مسئولیت اسلامی و انسانی در کنار یمن ایستاد و آنچه انجام داد، تبلور وحدت امت اسلامی و یاری مظلومان در برابر ائتلاف عربی مشارکت‌کننده در محاصره است. علی العماد گفت که دشمن باید بداند محاصره شکسته خواهد شد، پروازها ادامه می‌یابد و هرگونه لجاجت جدید با پاسخی شدیدتر روبرو می‌شود. آنچه تا کنون رخ داده، تنها یک پیام هشدار قوی بوده است.



گزارش فارین افروز از افول بی‌سابقه اعتبار واشنگتن

جهان از آمریکا ناامید شده است

اعتراف دیپرهنگام نخبگان آمریکایی به افول جایگاه بین‌المللی ایالات متحده، بیش از آنکه یک خبر باشد، تأیید واقعیتی است که سال‌ها از سوی ایران مطرح می‌شد. این بار نه رسانه‌های منتقد، بلکه یکی از معتبرترین نشریات سیاست خارجی آمریکا اعتراف کرده که تصویر واشنگتن در جهان به شدت آسیب دیده، اعتماد متحدان سنتی رو به زوال است و حتی ادعای احترام آمریکا به آزادی‌های شهروندانش نیز دیگر برای افکار عمومی جهان باورپذیر نیست.

داده‌های ارائه‌شده، میزان اعتماد به آمریکا به عنوان یک شریک قابل اتکاد کشورهای مهم اروپایی، کانادا و استرالیا به شدت کاهش یافته و در برخی موارد بیش از ۳۰ درصد افت کرده است.

این گزارش در ادامه به نکته‌ای اشاره می‌کند که اهمیت راهبردی دارد. اینکه آمریکا طی هشت دهه گذشته تلاش کرده بود خود را رهبر نظم بین‌المللی معرفی کند، اما اکنون حتی متحدان سنتی واشنگتن نیز نسبت به ابفای این نقش تردید جدی پیدا کرده‌اند. به اعتقاد نویسندگان، ایالات متحده با کنار گذاشتن قدرت نرم و تکیه بیش از حد بر قدرت نظامی، مهم‌ترین سرمایه بین‌المللی خود را از دست داده است.

هرچند فارین افروز تلاش می‌کند بخشی از این روند را به دولت ترامپ محدود کند، اما واقعیت آن است که ریشه این بحران بسیار عمیق‌تر از یک دولت یا یک رئیس‌جمهور است. سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا، جنگ‌های پرهزینه، حمایت از رژیم‌های متجاوز، استانداردهای دوگانه در حوزه حقوق بشر و استفاده ابزاری از مفاهیمی مانند آزادی و دموکراسی، طی سال‌های گذشته موجب شده تصویر واقعی واشنگتن برای افکار عمومی جهان بیش از گذشته آشکار شود. آنچه امروز حتی در رسانه‌ها و اندیشکده‌های آمریکایی نیز مورد اعتراف قرار گرفته، همان واقعیتی است که سال‌ها از سوی منتقدان سیاست‌های سلطه‌طلبانه آمریکا مطرح می‌شد. اینکه مشروعیت بین‌المللی آمریکا با سرعت در حال کاهش است و بازسازی این اعتبار، حتی به اعتراف نویسندگان فارین افروز، دیگر به سادگی گذشته نخواهد بود.

دوره‌های گذشته، صرفاً نارضایتی از برخی سیاست‌ها نیست، بلکه اصل مشروعیت و اعتبار نظام سیاسی آمریکا را نیز هدف قرار داده است.

در این گزارش آمده است که در دوره‌های پیشین، حتی زمانی که آمریکا به عراق و افغانستان حمله کرد یا سیاست‌های یک‌جانبه‌گرانه دولت بوش و سپس ترامپ با اعتراض گسترده جهانی روبه‌رو شد، همچنان بخشی از افکار عمومی جهان به ارزش‌هایی مانند آزادی، دموکراسی و حقوق بشر که آمریکا مدعی دفاع از آنها بود، خوش بین باقی مانده بودند. اما اکنون این وضعیت تغییر کرده و بسیاری از مردم جهان حتی نسبت به پایبندی دولت آمریکا به آزادی‌های شهروندان خودش نیز تردید دارند.

گزارش همچنین به سیاست خارجی دولت ترامپ می‌پردازد و می‌نویسد افکار عمومی جهان نه تنها با سیاست‌های مهاجرتی، تعرفه‌های تجاری و خروج آمریکا از توافق‌های بین‌المللی مخالف است، بلکه استفاده گسترده‌تر واشنگتن از قدرت نظامی نیز نگرانی‌های بی‌سابقه‌ای ایجاد کرده است. عملیات نظامی علیه ونزوئلا، جنگ با ایران و حتی تهدیدهای مکرر درباره گرینلند، از جمله اقداماتی عنوان شده که با مخالفت گسترده مردم کشورهای مختلف روبه‌رو شده است.

فارین افروز اذعان می‌کند که بسیاری از مردم جهان اکنون آمریکا را نه عامل ثبات، بلکه عاملی برای افزایش ناامنی و بی‌ثباتی بین‌المللی می‌دانند. براساس

The World Is Giving Up on America

This Time Anti-Americanism Is Different

RICHARD WIKE

July 15, 2026



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار



افول یک

قدرمآب

گزارش تازه مجله آمریکایی «فارین افروز» با استناد به نظرسنجی مرکز پژوهشی «پیو» نشان می‌دهد تصویر ایالات متحده در افکار عمومی جهان به پایین‌ترین سطح خود در بیش از دو دهه اخیر رسیده است؛ روندی که حتی نخبگان آمریکایی آن را نتیجه کاهش قدرت نرم، بحران دموکراسی داخلی و سیاست‌های واشنگتن می‌دانند.

یادداشت

عراق گزینه بعدی چپاولگری آمریکا

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

در تازه‌ترین نمایش زشت آمریکایی، دونالد ترامپ در دیدار با علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق بار دیگر با دروغ‌هایی آشکار و تحریف وقایع، سعی کرد واقعیت‌های آشکار را وارونه جلوه دهد.

ترامپ در این ملاقات، از دولت عراق خواسته تا گروه‌های مسلح مورد حمایت ایران را خلع سلاح کند. دولت عراق نیز تا پایان سپتامبر به این نیروها فرصت داده تا سلاح‌های خود را تحویل دهند. اما کدام نیروها؟ همان‌هایی که از دل مردم عراق و روحیه مقاومت برخاستند تا در برابر داعش ساخته و پرداخته آمریکا بایستند. داعشی که با حمایت مستقیم کاخ سفید، برای نابودی منطقه و توجیه حضور اشغالگرانه غرب به وجود آمد. این نیروهای مردمی، حشد الشعبی و گروه‌های مقاومت عراق، نه از دل یک ارگان دولتی یا دستور خارجی، بلکه از متن جامعه و برای دفاع از خاک و ناموس عراق متولد شدند. خلع سلاح آنها نه تنها غیرممکن است، بلکه خیانت به تاریخ مقاومت عراق خواهد بود. مقاومت مردمی خلع سلاح نمی‌شود، چون ریشه در عمق وجود مردم دارد.

بدتر از این ادعاها، ردالت ترامپ در اشاره به شهادت سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس بود. او با غرور جنایتکارانه گفت: «من او را کشتم». او فرد بسیار بدی بود. در همان عملیات، یک فرد اهل عراق هم کشته شد. نمی‌دانم به شما لطف کردم یا نه! این اعتراف آشکار به جنایت تروریستی، توهینی آشکار به ملت عراق و خون شهدای مقاومت است. حاج قاسم و ابومهدی المهندس از جنس همین مردم بودند. نجات‌دهندگان عراق از چنگ داعش و حامیان واقعی وحدت و حاکمیت این کشور. تشییع میلیونی این دو شهید بزرگ در بغداد و تهران، نشان داد که قلب مردم عراق چگونه از این ترور داغدار شد. لذا بهتر بود علی الزیدی پس از این سخنان ردیالانه، حرف دل مردم و نظر قلبی مردم عراق را نسبت به دو ستون محور مقاومت بیان می‌کرد و نه موضعی خنثی که گویا اتفاقی رخ نداده است.

نخست‌وزیر جدید عراق باید به تاریخ نگاه کند. حمله وحشیانه آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ تحت بهانه‌های دروغین، ویرانی، کشتار صدها هزار نفر و غارت منابع نفتی این کشور را به دنبال داشت. آمریکا هرگز به فکر منافع عراق نبوده و نیست. هدف نهایی، کنترل کامل منابع، تضعیف مقاومت مردمی و ایجاد هرج و مرج برای توجیه حضور مجدد است. پس از خلع سلاح مقاومت، مرحله بعدی احتمالاً فعال‌سازی هسته‌های تروریستی جدید برای ایجاد ناامنی و سپس دخالت مستقیم خواهد بود. الزیدی باید از خواب غفلت بیدار شود. منافع آمریکا با منافع هیچ ملتی، حتی متحدان ظاهری‌اش، همخوانی ندارد. رؤسای اپستینی آمریکا برای منافع خود حاضر به قربانی هر متحدی هستند. مردم عراق توهین به حاج قاسم و ابومهدی را فراموش نخواهند کرد.

نگاهی به وضعیت مبهم کنش مسئولان و مسببان تفاهم پرخسارت اسلام آباد در برابر ملت ایران

سکوت بانیان درباره سرنوشت تفاهم

اعلام رسمی پایان تفاهم و آتش‌بس از سوی دونالد ترامپ، تنها چند روز بعد با تحریم‌های تازه، تشدید محاصره دریایی و آغاز حملات گسترده علیه خاک ایران همراه شد؛ رخدادی که نشان داد تضمین‌های ارائه‌شده درباره دوام این توافق، فاقد

پشتوانه عملی بوده است. اکنون که آمریکا عملاً تمامی تعهدات خود را کنار گذاشته، افکار عمومی بیش از هر زمان دیگری انتظار دارد مسئولانی که از این مسیر دفاع کردند، درباره نتایج آن و هزینه‌های تحمیل‌شده به کشور پاسخگو باشند.



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

تنها یک هفته از اعلام پایان یافته تلقی شدن تفاهم و آتش‌بس از سوی دونالد ترامپ نگذشته است که آمریکا با نقض باقی‌مانده مفاد تفاهم، دور تازه‌ای از تحریم‌ها، تشدید محاصره دریایی و حملات گسترده نظامی علیه ایران را آغاز کرد. طی روزهای اخیر بیش از نیمی از خاک کشور هدف بمباران قرار گرفت، بیش از ۲۰۰ نقطه مورد حمله هوایی واقع شد و ده‌ها نفر به شهادت رسیدند و صدها تن دیگر مجروح شدند. این تحولات، بار دیگر نشان داد که اتکا به تعهدات واشنگتن، بدون وجود تضمین‌های واقعی، نمی‌تواند امنیت و منافع ملی را تأمین کند.

در همان زمان که تفاهم امضا شد، رهبر انقلاب در پیام تاریخی خود تصریح کردند که نظر دیگری داشته‌اند، اما از آنجا که رئیس‌جمهور به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی و دیگر اعضای شورا مسئولیت کامل این مسیر، حفظ حقوق ملت و

پذیرش تبعات آن را بر عهده گرفته و تعهد داده بودند در برابر هرگونه زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند، اجازه اجرای تفاهم صادر شد. اکنون اما با پایان رسمی تفاهم و از سرگیری جنگ، این پرسش جدی مطرح است که چرا از سوی مهم‌ترین بانیان و حامیان این توافق، موضعی متناسب با ابعاد تحولات اخیر مشاهده نمی‌شود. در بیش از چهار ماهی که از آغاز جنگ و ترور رهبر شهید گذشته، بخش مهمی از افکار عمومی نسبت به سکوت برخی مسئولان در برابر تهدیدها، توهین‌ها و تجاوزهای دشمن انتقاد داشته‌اند و امروز نیز این انتظار همچنان پابرجاست که دکتر قالیباف رئیس تیم مذاکره‌کننده و مسعود پزشکیان رئیس شورای عالی امنیت ملی و سید عباس عراقچی رئیس دستگاه دیپلماسی، به عنوان چهره‌های اصلی، موضعی شفاف و قاطع اتخاذ کنند و آنان نیز مانند ترامپ این تفاهم را پایان یافته اعلام کنند.

محمد باقر قالیباف پیش از این بارها تأکید کرده بود که دست‌آورد‌های تفاهم به مراتب بیش از هزینه‌های جنگ خواهد بود و از

این توافق با تمام ظرفیت سیاسی خود و با کمک پروپاگاندای تمام مشاوران خود دفاع می‌کرد. اکنون طبیعی است که افکار عمومی درباره صحت آن ارزیابی‌ها پرسش داشته باشد. از سوی دیگر، مسعود پزشکیان نیز با وجود آنکه رهبر انقلاب تصریح کرده بودند نظر دیگری داشته‌اند، مسئولیت و تبعات این تفاهم را پذیرفت. امروز این پرسش مطرح است که آیا درباره نتایج عملی آن، از جمله استمرار جنگ، تداوم تحریم‌ها، محقق نشدن وعده‌های اقتصادی، آزاد نشدن دارایی‌های بلوکه‌شده و عملی نشدن سرمایه‌گذاری‌های وعده داده‌شده، توضیحی به ملت ارائه خواهد شد؟ تجربه برجرام نشان داد که فقدان پاسخگویی، خود به بخشی از مسئله تبدیل می‌شود. مسببان آن توافق هیچ‌گاه درباره نتایج و هزینه‌های آن پاسخ‌روشنی ندادند. اکنون اما ملتی که ماه‌ها هزینه مقاومت و حفظ کشور را پرداخته است، بیش از هر چیز انتظار دارد اصل پاسخگویی، بدون استثنا، بر همه مسئولان حاکم باشد.

زمان پاسخگویی مسببان تفاهم به ملت و رهبری

رهبر انقلاب هنگام صدور مجوز این تفاهم تصریح کردند که شخص رئیس‌جمهور و اعضای شورای عالی امنیت ملی مسئولیت اجرای آن و پاسداشت حقوق ملت را پذیرفته‌اند و تأکید داشتند در صورت زیاده‌خواهی آمریکا نباید زیر بار آن رفت. اکنون که تفاهم عملاً پایان یافته و جنگ از سر گرفته شده است، مطالبه پاسخگویی از بانیان این مسیر، به مطالبه‌ای عمومی تبدیل شده است.

یادداشت

لزوم تصمیم سرنوشت ساز ایران در برابر محاصره آمریکا

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

هیچ اقدامی خطرناک‌تر از آن نیست که یک قدرت زورگو، به این جمع‌بندی برسد که می‌تواند بدون پرداخت هزینه، اراده خود را بر طرف مقابل تحمیل کند. ادعای اخیر سننکام درباره از سرگیری محاصره دریایی ایران نیز دقیقاً از همین زاویه قابل تحلیل است. آمریکا می‌خواهد این گزاره را به ایران و منطقه القا کند که می‌تواند شریان‌های حیاتی اقتصاد ایران را هدف قرار دهد. چنین تصویری، اگر با پاسخ بازدارنده مواجه نشود، نه تنها به توقف فشارها منجر نخواهد شد، بلکه دشمن را به برداشتن گام‌های بعدی برای افزایش سطح تهدید ترغیب خواهد کرد.

اگر قرار باشد آمریکا با سوءاستفاده از قدرت نظامی خود، مسیر صادرات نفت و گاز ایران را به صورت غیرقانونی هدف قرار دهد، طبیعی است که جمهوری اسلامی نیز خود را ملزم به حفظ منافع یک طرفه شرکای منطقه‌ای آمریکا نداند. منطق بازدارندگی روشن است؛ صادرات انرژی یا باید برای همه امکان‌پذیر باشد یا اگر قرار است یک طرف از این حق محروم شود، دیگران نیز نباید تصور کنند می‌توانند در امنیت کامل به تأمین منافع آمریکا ادامه دهند. واقعیت آن است که برخی دولت‌های منطقه نه تنها در برابر اقدامات خصمانه آمریکا علیه ایران سکوت نکردند، بلکه با در اختیار گذاشتن امکانات و زیرساخت‌های خود، در پروژه فشار علیه ملت ایران مشارکت داشتند. آیا می‌توان انتظار داشت هزینه این اقدامات تنها بردوش ایران باشد و دیگران از هرگونه تبعات مصون بمانند؟ در روابط بین‌الملل، بازدارندگی زمانی معنا پیدا می‌کند که دشمن بداند اقدام خصمانه بدون هزینه نخواهد بود.

در همین چارچوب، اظهارات جان مرشایمر، نظریه‌پرداز برجسته آمریکایی روابط بین‌الملل، قابل تأمل است. او تصریح می‌کند که راهبرد جنگ هوایی و محاصره دریایی برای این فرض استوار بود که ایران زیر فشار تسلیم خواهد شد، اما تجربه نشان داده جمهوری اسلامی توان تحمل فشارهای سنگین را دارد و افزایش تنش، لزوماً به سود آمریکا نخواهد بود. این سخنان از زبان یک تحلیلگر آمریکایی بیان می‌شود. همین واقعیت باید برای کسانی که همچنان نسخه بازگشت فوری به میز مذاکره را، آن هم از موضع ضعف، تجویز می‌کنند، محل تأمل باشد. اشتباه بزرگ آن است که دشمن به این جمع‌بندی برسد که ایران تحت هر شرایطی آماده مصالحه و عقب‌نشینی است. چنین برداشتی نه تنها احتمال جنگ را کاهش نمی‌دهد، بلکه طرف مقابل را برای افزایش فشار و تکرار تجاوز جسورتر می‌کند. کشوری که نشان دهد از پرداخت هزینه دفاع از منافع خود هراس دارد، در عمل دشمن را به اقدامات بعدی تشویق خواهد کرد.

اگر آمریکا واقعاً به دنبال تشدید محاصره اقتصادی و دریایی ایران باشد، پاسخ منطقی و بازدارنده آن است که بداند امنیت انرژی در منطقه، کالایی یک‌طرفه نیست. راهبردی که هزینه‌ای برای متجاوز ایجاد نکند، نه صلح می‌آورد و نه امنیت بلکه تنها دشمن را برای فشارهای بیشتر گستاخ‌تر خواهد کرد.

سیاست خارجی

ایندیپندنت: ترامپ ۳۲ بار اعلام پیروزی کرده، اما امکان پیروزی ندارد

روزنامه انگلیسی «ایندیپندنت» در مطلبی گزارش داد که دونالد ترامپ برای خود و جهان تله‌ای ساخته است و به نظر می‌رسد راه گریزی از آن ندارد. این نشریه انگلیسی می‌نویسد که ترامپ پس از حدود ۳۲ بار اعلام پیروزی علیه ایران، از جمله پنج بار در یک ویدئوی ۱۳ ثانیه‌ای در اواسط ماه مارس، اکنون عملاً بار دیگر وارد جنگ شده است.

به گزارش ایندیپندنت، هر بار که ترامپ ادعا می‌کند در این جنگ «پیروز شده است»، ایران از اهرم‌های خود برای گرفتن امتیازات بیشتر استفاده می‌کند. هر بار که او با آغاز حملات جدید واکنش نشان می‌دهد، بازارها آسیب می‌بینند و قیمت هر بشکه نفت و تورم جهانی افزایش می‌یابد؛ موضوعی که در نهایت به آمریکا نیز آسیب می‌زند. نشریه انگلیسی در این گزارش آب‌پاکی را روی دست رئیس‌جمهور آمریکا می‌ریزد: «ترامپ نمی‌تواند پیروز شود. بگذارید با همان ادبیات مورد علاقه دولت ترامپ بگوییم: او "کارت‌های لازم" را در اختیار

ندارد.» ایندیپندنت با یادآوری اینکه کنترل تنگه هرمز هنوز در دست ایران است، می‌نویسد: «جمهوری اسلامی ایران با بقا و حفظ مزیت‌های نامتقارن خود در جنگ پهلپادی و بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی، در برابر آمریکا ایستادگی کرده و به نوعی به پیروزی دست یافته است. اقدام ملموسی که ترامپ بتواند برای تغییر این وضعیت انجام دهد، وجود ندارد.»



یادداشت

فیلمسازان پای کار مستند رهبر شهید

علی نقدی
روزنامه‌نگار

در حالی که مراسم وداع و تشییع رهبر انقلاب در کانون توجه جهانیان قرار گرفته، سازمان سینمایی سوره و حوزه هنری با بسیج گسترده فیلمسازان، پروژه‌ای بزرگ را برای ثبت تصویری این رخداد تاریخی کلید زده‌اند. در این میان، رضا میرکریمی به عنوان یکی از چهره‌های شاخص سینمای ایران، سرپرستی هدایت و تولید بخشی از این جریان را بر عهده گرفته است؛ رویکردی که فراتر از بازنمایی خبری، به دنبال ثبت «میزانسن‌های تاریخی» این واقعه از زوایای گوناگون است.

گزارش‌ها حاکی از آن است که حدود ۲۰ تا ۳۰ گروه مستندساز، مسئولیت ثبت زوایای مختلف این آیین وداع را بر عهده دارند. در این حرکت جمعی، نام چهره‌هایی چون محمد حسین مهدویان، بابک خواجه‌پاشا، حامد شکیبانیا و مهدی شامحمدی نیز در کنار رضا میرکریمی دیده می‌شود که نشان از تقسیم کار حرفه‌ای برای پوشش ابعاد مختلف این رخداد در تهران و سایر شهرها دارد. این پروژه که با عناوینی نظیر «سلام آخر» نیز از آن یاد شده، تلاشی برای مستندسازی یک فصل تعیین‌کننده از تاریخ معاصر ایران است.

موازی با این تلاش کلان، «مرکز مستند سوره» نیز برنامه‌ای متمرکز را برای تولید ۱۰ مستند نیمه بلند و شخصیت‌محور آغاز کرده است. به گفته امین قدمی، مدیر این مرکز، این آثار قرار است به ابعاد کمتر دیده شده، از جمله نقش رسانه‌ها، پشت صحنه مراسم، همبستگی‌های اجتماعی و روایت‌های شخصی بپردازند. تفاوت این رویکرد در آن است که مرکز مستند سوره به دنبال کثرت روایت‌هاست؛ جایی که هر کارگردان با امضای هنری خود، برشی متفاوت از یک حقیقت واحد را به تصویر می‌کشد. این هم‌افزایی میان مدیریت فرهنگی و بدنه سینمای مستند، نشان‌دهنده اراده‌ای برای پرهیز از مستندسازی صرفاً «آرشیوی» است. سینمای ایران در این پروژه تلاش می‌کند تا با تکیه بر تجربه فیلمسازان صاحب‌سبک، حافظه‌ای بصری از یک رخداد ملی بسازد که در دهه‌های آینده، مرجع تحلیل‌های تاریخی و جامعه‌شناختی باشد. این پروژه آزمونی برای توانمندی سینمای مستند در گذار از «گزارش روز» به «روایت ماندگار» است.

ویژه برنامه‌های جام جهانی در دنیای دیگری سیر می‌کنند و اعتقادی به اعمال حاکمیت جمهوری اسلامی در امور فرهنگی ندارند

ایران در حال استحاله فرهنگی است، دست بجنبانید

اسلام ناب محمدی باشند. اما بعد از پایان جنگ تحمیلی این رویه با وجود توصیه‌های رهبر شهید انقلاب به‌صورت کج‌دار و مریز ادامه پیدا کرد تا مجالی برای تنفس غریک‌ها به‌منظور استحاله فرهنگی نظام برآمده از انقلاب اسلامی پدید بیاید.

جمهوری اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ از پی سال‌ها مبارزه طولانی در راه برافراشتن همیشگی پرچم اسلام در این خاک به پیروزی رسید. از آن روز قرار ملت و دولت بر این شد که تا همیشه پاسدار هویت فرهنگی و تمدنی این خاک، یعنی همان



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

آن‌ها خوب می‌دانستند که در زمین سفت جایی برای یکه‌تازی‌شان وجود ندارد، پس به میدان رسانه آمدند تا با ذهن‌شویی از مردم، به حاکمیت دوگانه در امور فرهنگی دامن بزنند. اکنون با اسیم رمز تولید محتوا برای جام جهانی در حال رخنه به دستگاه شناختی و محاسباتی مخاطبند.

دری به روی جام

ویژه برنامه «دری به رو جام» با اجرای سعید اکبری و آزاده سدیری پیش از شروع مسابقات جام جهانی از پلتفرم ورزشی آپارات منتشر شد. این برنامه از همان روز اول با دهن کجی به تمام اتفاقاتی که در ایران رقم خورده تمام تلاش خود را به کار گرفت تا با عادی‌نشان دادن وضعیت، تیشه به ریشه فرهنگ کشور بزند. شاید بپرسید که از یک برنامه اینترنتی چه توقعی غیر از این می‌توان داشت؟ در ابتدا باید گفت که آن‌ها بازوی اجرای فرامین مدیران غریب‌ها هستند، وگرنه خودشان چندان محلی از اعراب ندارند. با وجود این، بد نیست بدانیم که پشت آن خنده‌های زیبا چه فریبی برای تحمیل مخاطبان نهفته است. سعید اکبری از گرشا رضایی اسم چند خواننده لس‌آنجلسی را می‌پرسد تا او نظرش را نسبت به آن‌ها بگوید. این خواننده هم از سرشیفتگی تمام، جوابش را می‌دهد و از همه خوانندگانی که از گذشته تا امروز علیه اسلام و ایران فعالیت کرده‌اند تعریف و تمجید به عمل می‌آورد تا مخاطبی که کمرش زیر بار مشکلات اقتصادی خم شده، لحظه‌ای سرحال شود! این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که آمریکا در طول حملات شبانه‌اش ضمن تخریب زیرساخت‌های ما،

یادداشت

پشت پرده موج کاذب همدلی با جنوب

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

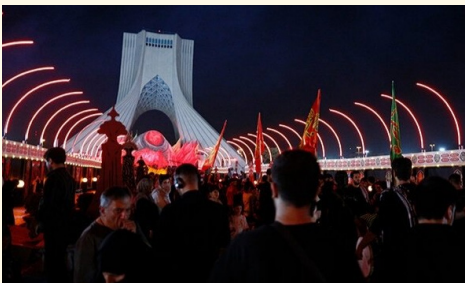
در منازعات مدرن، عرصه تقابل تنها میدان نظامی نیست؛ همزمان، نبردی بر سر شناخت، روایت و جهت‌دهی به افکار عمومی نیز شکل می‌گیرد. هنگامی که یک بازیگر سیاسی مانند آمریکا و رژیم جنایتکار صهیونیستی در تحقق اهداف خود با شکست مواجه می‌شوند، تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای و ظرفیت‌های اجتماعی و شکاف‌های درون جامعه مقابل، میدان جدیدی برای اثرگذاری ایجاد کنند. در چنین شرایطی، احساسات عمومی و سرمایه‌های عاطفی جامعه می‌توانند به بستری برای مداخله و بازتولید روایت‌های مورد نظر متجاوزان تبدیل شوند.

همدلی مردم ایران با ساکنان جنوب کشور که چند روز است زیر آتش دشمن قرار دارند، واکنشی طبیعی و برخاسته از پیوندهای احساسی و ملی‌گرایانه است؛ اما همین سرمایه اجتماعی، در صورت قرار گرفتن در چارچوب عملیات رسانه‌ای، قابلیت آن را پیدا می‌کند که به پروژه‌ای سیاسی بدل شود. اینجاست که نقش سلبریتی‌ها و بلاگرها پررنگ می‌شود. آنها آگاهانه یا ناآگاهانه، در جایگاهی قرار می‌گیرند که به پیش‌ران اهداف دشمنان ایران بدل می‌شوند.

الگوی این فرایند نیز قابل تأمل است. ابتدا با تولید تصاویر و روایت‌هایی که بر عنصر قربانی بودن تأکید دارند، زمینه‌ای احساسی برای واکنش مخاطب ایجاد می‌شود. سپس این محتوا از طریق شبکه‌های اجتماعی بازنشر می‌شود و به تدریج روایتی شکل می‌گیرد که در آن مسئولیت‌ها مبهم و مرز میان کنشگر و قربانی کمرنگ می‌شود. نتیجه چنین فرآیندی، تغییر چارچوب ادراک عمومی و شکل دادن به نوعی همسان‌سازی اخلاقی میان طرف‌های درگیر است.

باید روشن کنیم که چه شد سلبریتی و بلاگری که جرأت محکوم کردن حمله متجاوزان به ایران را نداشت و حتی از ترس فحاشی‌ها از حمایت تیم ملی فوتبال هم پا پس کشید به یکباره به یاد مظلومیت مردم جنوب کشور افتاد؟ این موضوع فی‌نفسه موضوع کوچکی نیست و نیاز به بررسی و دقت بیشتری دارد. کشور در سرنوشت‌سازترین روزهای خود قرار دارد که جنگ نظامی و جنگ شناختی هر دو در حال فشار بر مردم این سرزمین است تا تاریخ ایران را به کل تغییر دهد. به همین جهت باید با چنین مسائلی با احتیاط و هوشمندی بیشتر مواجه شد!

منطقه ۹ برگزار شد. در این جلسه، آخرین تمهیدات اجرایی، فنی و خدماتی برای برگزاری هرچه باشکوه‌ترین رویداد مردمی بررسی و وظایف نهادهای همکار برای ارائه خدمات به عزاداران حسینی و زائران اربعین نهایی شد. بر این اساس، مجموعه برج آزادی در بخش‌هایی چون پشتیبانی فنی، آماده‌سازی فضاها، اجرای برنامه‌های فرهنگی و ویدئومپینگ و افزایش ساعت بازدید، همکاری گسترده‌ای با ستاد برگزاری خواهد داشت. در نشست همچنین بر هماهنگی میان برج آزادی، شهرداری منطقه ۹ و سایر نهادها برای برگزاری رویدادی ایمن و در شأن فرهنگ عاشورایی تأکید شد. چهارمین دوره «معرم شهر» از شنبه، ۲۷ تیرماه، در میدان آزادی آغاز می‌شود و تا اربعین حسینی هر شب میزبان شهروندان و زائران خواهد بود؛ رویدادی که برج آزادی در آن نقشی ویژه در میزبانی و پشتیبانی ایفا می‌کند.



نشستی برای هماهنگی برگزاری چهارمین دوره رویداد آیینی «معرم شهر» با حضور سیدمحسن حسینی، رئیس مجموعه فرهنگی-هنری برج آزادی، محسن دودانگه، شهردار منطقه ۹ تهران، و جمعی از مدیران این مجموعه در دفتر شهردار

برج آزادی، میزبان چهارمین «معرم شهر»